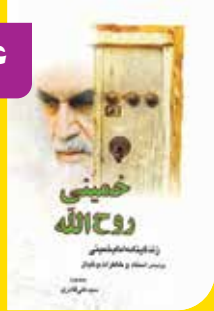


## خمینی، روح الله



■ سیدعلی قادری  
■ انتشارات عروج

این کتاب داستانی تا سال‌های سال تنها زندگینامه قابل توجه و خوش‌خوان درباره امام خمینی بوده است. این زندگینامه با آمیزه‌ای از «اسناد و خاطرات و خیال» به رشته تحریر در آمده است. بنابراین، جدای از اتقان سندی و تاریخی که کوشیده شده با تکیه بر منابع دست اول تأمین بشود، نویسنده کتاب با قلم توانا و زیبایی خود توانسته خلایق زمانی اثر را با تخیل‌های ضابطه‌مند خود کامل کند.

## جدال دو اسلام



■ جلد ۲۱ صحیفه  
■ انجمن فرهنگی

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول، گفتگوهایی با آقایان وحید جلیلی و محسن صفایی‌فرد، پیرامون نظرات و آرای حضرت امام به‌ویژه مسائل مربوط به اسلام آمریکایی آمده است. اما فصل دوم که بخش اعظم کتاب را در بر می‌گیرد، مصحف انقلاب، گزیده جلد بیست و یکم صحیفه امام نام دارد که در آن آخرین گفتارها و پیام‌های امام خلاصه و تبیین شده است.

## آدم شدن چه مشکل!



■ سیدحسین هوشی سادات  
■ انتشارات نارگل

این کتاب مخاطبان خود را با مقدمات و مهمات سلوک الی‌الله و تخلق به مکارم اخلاق الهی، از دید حضرت امام آشنا می‌کند. این گزیده‌ی نافع، مطمئن می‌تواند دیباچه‌ی آشنایی خواننده را با نصایح ارزشمند امام فراهم کند و مقدمه‌ای برای رجوع به اصل آثار امام عظیم‌الشان باشد. احتمالاً مطالعه گزیده‌ای خوب و منظم از این بخش از آثار امام می‌تواند راهگشا و اشتیاق‌آفرین باشد.

بنابراین حضور امام در عرصه اجتماعی و سیاسی و در واقع در میان خلق بودن ایشان، به نوعی سفر چهارمی است که عرفا از آن بحث می‌کنند. این سفر (چهارم) که در حقیقت سیر طبیعی عارف و همراهی وی با خلق است، توسط امام به اجرا در می‌آید و صورتی عملی پیدا می‌کند. در این سفر (چهارم) عارف حضور در جامعه و سیاست را برای خودش یک فرض تلقی می‌کند و اگر این اتفاق نیفتد، عملاً سفرهای چهارگانه ناقص می‌مانند. عارف پیرو حکمت صدرایی الزاماً در سفر چهارم خودش از میان خلق باید بگذرد و در میان آنها باید باشد تا بتواند آنان را به نقطه‌ای مطلوب برساند. امام از همین منظر این حرکت را شکل می‌دهد و با انقلاب اسلامی یک تحول جوهری، معنوی و اخلاقی را در جامعه پدید می‌آورد.

ما می‌توانیم به طور کلی این تلقی را مطرح سازیم که همه حکمای حکمت متعالیه از حضرت امام تا دیگر فعالان حاضر در صحنه انقلاب اسلامی همواره یک چیز را مدنظر قرار داده‌اند و آن چگونگی تعالی انسان در جامعه بوده است. به نظر می‌رسد هم خود امام این مسیر را طی کرده است و هم شاگردان ایشان چنین مسیری را برگزیده و بر آن تأکید کرده‌اند.

اگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه سال‌های دفاع مقدس را در نظر بگیریم، می‌بینیم که امام در همین عرصه حرکت می‌کند و در واقع دست به انسان‌سازی می‌زند. وقتی انسان، متعالی و الهی و معنوی پرورش یابد و به نوعی نگرش‌های متعالی در جامعه ارتقا بخشیده شود، جامعه هم به تدریج به سمت متعالی شدن حرکت می‌کند. به بیان دیگر، حرکت و ارتقای جامعه منوط به حرکت و ارتقای انسان است.

بنابراین، از این منظر مهم‌ترین مسئله و دغدغه امام این بوده که انسان تعالی بخشیده شود و ارزش‌ها را در درون خودش بیوراند. در واقع انسان متعالی است که می‌تواند جامعه و حکومت متعالی را پدید آورد. در ذیل این مسئله (انسان متعالی) است که می‌توان پرسش‌ها و دغدغه‌های دیگری را هم مطرح کرد. اجمالاً حتی اگر به گونه‌ای اخلاقی نگاه کنیم، حرکت امام خمینی و انقلاب اسلامی برای تحقق انسان متعالی، جامعه متعالی و حکومت متعالی بوده است. جمهوری اسلامی هم می‌تواند یک جمهوری متعالی باشد؛ زیرا هم ارزش‌های متعالی در آن نهفته است و هم حضور و مشارکت مردم را دربردارد و هم رهبر آن و امدار مکتبی است که افزون بر نسب بردن از اندیشه شیعی، و امدار حکمت اسلامی متعالیه است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی: منطق و فلسفه، تهران، صدرا، ۱۳۶۸، درس چهارم و پنجم.
۲. مجموعه سه جلدی تقریرات فلسفه امام خمینی به خوبی نشان دهنده این است که امام در این دستگاه فلسفی حضور جدی داشته است. بنگرید به: عبدالغنی اردبیلی، تقریرات فلسفی امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۳. سید حسین نصر، «عرفان نظری و تصوف عملی و اهمیت آنها در دوران کنونی»، ترجمه انشاء الله رحمتی، اطلاعات حکمت و معرفت، ص ۵.
۴. عبدالله جوادی آملی، بنیان مرصوص، قم، اسراء، ۱۳۷۵، ص ۷۱.

الاربعه العقلیه بر اساس این چهار نوع ترتیب یافته است و عبارتند از: ۱) مسائلی که پایه و مقدمه مباحث توحید و سیر فکر ما از خلق به حق (امور عامه فلسفه) است. ۲) مباحث توحید و خداشناسی و صفات الهی (سیر بالحق فی الحق). ۳) مباحث افعال باری و عوالم کلی وجود (سیر من الحق الی الخلق بالحق). ۴) مباحث نفس و معاد (سیر فی الخلق بالحق).

از این رو با دریافت این نکته که امام خمینی در مقطعی به تدریس بزرگ‌ترین کتاب ملاصدرا یعنی الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه و همچنین شرح منظومه، تألیف حاج ملاهادی سبزواری پرداخته است می‌توان گفت که بنیاد بحث‌های ایشان متأثر از این حکمت بوده و حضور امام در میان جامعه و رهبری سیاسی جامعه در واقع آخرین و چهارمین مرحله از مراحل سیر و سلوک عرفانی ایشان است. این مطلب از دید برخی از صاحب نظران معاصر نیز مخفی نمانده است. سید حسین نصر ورود امام خمینی به عرصه سیاسی در آخرین سال‌های عمر ایشان را نتیجه طبیعی مباحث عرفانی حکمت متعالیه و به ویژه سیر و سلوک عرفانی در قالب اسفار عقلی چهارگانه ذکر کرده است:

برای بسیاری از افراد جالب توجه است و حتی ممکن است شگفت آور باشد که می‌بینند آیت‌الله خمینی که در اوایل عمرش نه فقط به عرفان نظری بلکه به عرفان عملی بر ریاضت و عزلت و ترک دنیا تأکید می‌کند بسیار علاقه‌مند بود، در اواخر عمرش کاملاً وارد صحنه سیاست شده است. کلید این معما را بیش از هر چیز باید در همان مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق که ملاصدرا در آغاز اسفار اربعه به آن پرداخته است، جست و جو کرد. این اسفار هم شامل مرحله سفر از «خلق» به «حق» است و هم شامل مرحله بازگشت به «خلق» به همراه «حق». ثانیاً کلید این معما را باید در تفسیر آیت‌الله خمینی از مراحل این سفر و چگونگی تطبیق آن در مورد خودش و رسالتش در زندگی جست و جو کرد.<sup>۲</sup>

از منظر نصر، امام خمینی که غرق در عرفان نظری و عملی است به یکباره در آخر عمر پا در عرصه سیاست می‌نهد و این ورود نتیجه طبیعی سیر و سلوک عارفانه‌ای است که از حکمت متعالیه نسب می‌برد و به ویژه سیر طبیعی اسفار عقلی چهارگانه است. در واقع اگر عارف پا در مرحله چهارم اسفار نگذارد، مرحله سیر و سلوک عارفانه وی خاتمه یافته تلقی نمی‌شود. امام خمینی دقیقاً در همین مرحله و ضرورتاً وارد سیاست می‌شود و این تلاش وی به انقلاب ختم شده و به تأسیس نظام سیاسی منتهی می‌شود. این تفسیر نصر از حرکت امام خمینی اگر چه پایه‌ای منطقی، محکم و البته بسیار مهم برای تفسیر اقدام امام خمینی ایجاد می‌کند اما به همین مقدار خاتمه می‌یابد و نصر هیچ تلاشی برای تبیین و بسط دیدگاهش به عمل نمی‌آورد.

آیت‌الله جوادی آملی با تأمل در این زمینه نکات دقیق‌تری را مطرح می‌نماید. بنابر نظر ایشان می‌توان امام خمینی را قهرمان اسفار اربعه به شمار آورد. در واقع امام خمینی تنها فقیه، حکیم و عارفی است که توانسته است این سیر و سفر را تکمیل کرده و به عرصه اجتماعی و عینی جامعه ورود پیدا نماید و ضمن ایجاد تحول باطنی در ذهن و ضمیر خویش بتواند با حدوث سیاست از حرکت جوهری خود و مردم دست به تأسیس و تشکیل نظام سیاسی بزند.

از منظر نصر، امام خمینی که غرق در عرفان نظری و عملی است به یکباره در آخر عمر پا در عرصه سیاست می‌نهد و این ورود نتیجه طبیعی سیر و سلوک عارفانه‌ای است که از حکمت متعالیه نسب می‌برد و به ویژه سیر طبیعی اسفار عقلی چهارگانه است. در واقع اگر عارف پا در مرحله چهارم اسفار نگذارد، مرحله سیر و سلوک عارفانه وی خاتمه یافته تلقی نمی‌شود. امام خمینی دقیقاً در همین مرحله و ضرورتاً وارد سیاست می‌شود و این تلاش وی به انقلاب ختم شده و به تأسیس نظام سیاسی منتهی می‌شود